

منابع درآمدی فریق

صوفیه

مرتضی میرخانی

پدیده‌ای هم‌چون نهاد تصوف در جامعه‌ی اسلامی به قدری سابقه‌ی طولانی دارد که اصولاً مانع از هر گونه بررسی جامع و مانع در خصوص جنبه‌های مختلف حیات اجتماعی این نهاد می‌شود. لذا گشودن هر بحثی در هر زمینه و مقوله‌ای از این نهاد، به خودی خود کامل و جامع نخواهد بود و طبعاً باید بر اساس تیپ و سنخ‌شناسی به برجسته کردن برخی ویژگی‌های خاص این نهاد پرداخت. از جمله‌ی مواردی که این قاعده بر آن جاری است، بحث در خصوص منابع درآمد نزد صوفیان اسلامی است. اگر جریان تصوف را چون نهادی اجتماعی در نظر آوریم، طبعاً در هر محیطی از دنیای اسلام، بسیاری خصایص و سنن خاص وارد این نهاد شده و به ترکیب نهاد در تصوف رنگ و لعابی ویژه بخشیده است و از این رو بحث در خصوص منابع مالی و درآمد صوفیه نیز تا حدی تابع ضرورت‌های جامعه‌ی اسلامی خواهد بود. بنابراین برای رعایت اختصار در این مقال، فقط به ارائه‌ی برخی ویژگی‌های کلی و عام‌تر این نهاد پرداخته می‌شود.

پیدایش جریان تصوف اسلامی و تکامل و گسترش تدریجی آن، استقرار مؤسسات ویژه‌ای را اقتضاء نموده و به‌ویژه، مقوله‌ی درآمد و تأمین مالی برجسته‌تر می‌نمود. بنابراین، تلاش برخی از فعالان تصوف مصروف ابداع و کشف و تنوع بخشی به منابع درآمد این نهاد گشت، تا ضمن رفع مایحتاج مالی و روزمره و عادی، بقاء و استمرار حیات اجتماعی این نهاد را نیز تضمین کرده و از وابستگی و گرایش اهل تصوف به سوی صاحبان مال و قدرت جلوگیری کنند.

نهاد تصوف در این راه علی‌رغم وجود سرسپردگان و علاقه‌مندان متعددی که با گشاده‌دستی تمام سرمایه و ثروت در خور توجهی را نثار مؤسسات و شخصیت‌های صوفی می‌نمودند، با مشکلات و موانع جدی مواجه بود. ستیزهای وسیع متشرعان و دانشمندان اسلامی با موجودیت و دعوت و گسترش تصوف در جامعه‌ی اسلامی، مشروعیت برخی از جنبه‌های اعمال و سنت‌های صوفیان را تضعیف می‌نمود و البته از جمله‌ی موارد بحث‌انگیز و پر مُجادله، مقونه‌ی درآمدهای صوفیان از راه‌های مختلف بود.

در عالم واقفیت نیز جمع کردن آموزه‌های صد دنیاگرایی و تری مال و ثروت که صوفیان داعیه‌دار آن بودند، با ثروت‌ها و سرمایه‌های چشم‌گیری که گاه در برخی خانقاه‌ها دیده می‌شد، دشوار می‌نمود و البته طعن و لعن مخالفان را سبب شده و بر شدت حملاتشان بر صوفیه می‌افزود.

طرح بحثی که به دنبال خواهد آمد، با هدف احصاء اجمالی و گذرای انواع منابع درآمد فریق صوفیه است. با تأکید مجدد بر این نکته که در درجه‌ی نخست همه‌ی فریق صوفیه از این تنوع درآمد برخوردار نیستند، دوم آن‌که این تنوع درآمدها نزد صوفیه در طول تاریخ پدید آمده و گاه استحاله و یا تکامل یافته‌اند و سوم آن‌که طبعاً با پیشرفت این گروه‌ها و محافل صوفی در دنیای جدید، درآمدهای جدیدی نیز به‌موارد و منابع پیشین افزوده شده‌اند که چندوچون آن قابل بحث و بررسی است.

واپسین نکته‌ی پراهمیت این بحث آن‌که، چون جریان تصوف در تاریخ خود، از حملات و تعرضات بسیاری از مخالفان خود بی‌نصیب نمانده و همواره در معرض خُرده‌گیری و تبلیغات منفی علیه خود بوده است، همواره در صدد طراحی نظامی مالی برای خود بوده که در عین حال استقلال نیز داشته باشد تا ضمن دوری از وابستگی به دستگاه‌های رسمی وقت از تضعیف کلی جامعه‌ی صوفیه به‌دلایل ضعف مالی جلوگیری نماید. از این رو شیوه‌ها و روش‌هایی که برای تحقق این هدف به کار می‌رود، تأمل و ژرفش بسیاری می‌طلبد.

روش‌های کسب درآمد صوفیان

۱. صدقه‌پذیری

صدقه‌پذیری از جمله سنت‌های ممدوح صوفیان از قدیم‌الایام تا روزگاران ما بوده است. علاوه بر تأکید قرآن بر لزوم صدقه دادن توسط امت اسلامی^۱ و نیز روایاتی نظیر آن‌که بهترین مال و اندوخته‌ی آدمی را صدقه معرفی کرده‌اند^۲، صوفیان اغلب با طرح این مسأله که

چون ما فرزندان روحانی رسول (ص) هستیم و رسول خدا نیز فرموده‌اند صدقه بر خاندان و فرزندان رسول خدا حلال نیست، چون صدقه چرک و آلودگی مردم است^۳، از پذیرش صدقه خودداری کرده‌اند، ولی به تدریج گرایش غالب در بین صوفیه بر آن بوده است که صدقات را اخذ کنند و ادعای بلاگردانی نیز به مرور بر آن افزوده شده و همین امر در توجیه و مشروعیت آن نیز مؤثر واقع شد. به گونه‌ای که اخذ و مصرف صدقه توسط افراد منسوب به این فریق عادی انگاشته شد. چرا که علاوه بر تمایل اعضای فریق مختلف صوفی در اخذ صدقات، باورداشت‌ها و عقاید جامعه، در تبدیل صدقه

به‌عنوان یک داختر دائمی به اهل فقر و رویش مؤثر واقع می‌شد.

۲. مصرف زکات

بر اساس تأکید قرآن به پرداخت زکات^۴ و بسیاری از روایات ائمه و اولیای دین در ادای آن از سوی امت اسلامی، تمایلاتی نزد برخی فریق صوفیه دیده شده است تا از این پرداخت جامعه نیز منتفع شود. در حالات شیخ نجم‌الدین کبری آمده است: صوفیان «برای هزینه‌ی خود و مریدانش هر سال هزار و هشتصد دینار از مال زکات که حلال‌ترین مال‌ها بود و به دیوان بیت‌المال می‌رسید مقرر گردیده بود»^۵ البته بسیاری از تلاش‌ها و کوشش‌هایی که فریق صوفیه در راستای توجیه و مشروع جلوه دادن اقدام خود در تصرف این پرداخت شرعی جامعه‌ی اسلامی انجام داده‌اند، در خور بررسی و مطالعه‌ی جداگانه است.

۳. هدیه‌پذیری

در سراسر تاریخ صوفیه، هدیه به‌عنوان یکی از منابع مهم درآمد آن‌ها به‌شمار می‌رود. چرا که پرداخت هدیه با میل و رغبت و از سر ارادت صورت می‌گرفته است. گاه پرداخت هدایا به حدی گسترش می‌یافته و از حجم بالایی برخوردار می‌شده که اقطاب و مشایخ صوفیه را به اشراف جامعه تبدیل می‌کرده است. نقل است که «شاه نعمت‌الله ولی به هند رفت، پادشاه هند، دختر خود را به نوه‌ی شاه نعمت‌الله داد و برای وی بارها هدایای هنگفتی می‌فرستاد».

در ادواری که صوفیه به‌دلیل بحران‌های اجتماعی و سیاسی رواج می‌یافت این درآمد نیز فزونی می‌گرفت، به طوری که پشتمانی جذب افراد بیش‌تری به خانقاه‌ها و حلقه‌های مشایخ صوفی می‌شد.

۴. نذر کردن

رسم نذر کردن از سر توسل جهت گره‌گشایی و رفع محظورات و غیره همیشه

معمول بوده است. ۶. صوفیه نیز با استفاده از این تمایلات افراد، به فراهم آوردن منبع درآمدی برای خود پرداخته و این امر تا بدان حد رواج و گسترش یافت که نذر نمودن به مرشدان و مردمان صاحب نفس، امری معمول و مرسوم تلقی می‌شد. ۷. در اخبار است که در عهد ابوسعید ابوالخیر جوانی به خادم ابوسعید می‌گوید: «من نذر کرده‌ام که اگر از دست دزدان خلاصی یابم یک خروار مویز به صوفیان بدهم، اکنون از آن بلا خلاصی یافتیم، بیایید و ببرید. ۸. البته این رسم نزد سایر فِرَق دینی نیز دیده می‌شده، مثلاً بر اساس رسم اسماعیلیان، هر ساله ۵۰۰ هزار دینار زر سرخ به رسم نذر برای جمال‌الدین گیلی می‌فرستادند. ۹. رسم نذر کردن هم‌چنین تا به حال نزد هواداران صوفیه باقی مانده تا جایی که فرقه‌ی نعمت‌اللہی مونس علی‌شاهی گلپه‌ی وجوهات را از مریدان، تحت همین نام اخذ کرده و به‌خصوص به توسعه‌ی دفاتر و خانقاه‌های خود در خارج از کشور می‌پردازند. ۱۰.

۵ کمک مالی سلاطین و نخبگان سیاسی

از جمله راه‌هایی که اغلب خانقاه‌ها از آن طریق اداره می‌شدند، کمکی بود که برخی سلاطین، رجال سیاسی و دیوانسالاران کارسازی می‌کردند.

اینان جدای از ارادت و رابطه‌ی سرسپردگی که به مشایخ صوفی داشتند، البته اغراض سیاسی خود را از این عمل پی‌گیری می‌نموده‌اند. در اخبار است که سلاطین سلجوقی دَوم برای جلال‌الدین محمدمولوی سیم و زر می‌فرستادند.

سلطان سنجر جهت خرج خانقاه قاسم بن جوکی ۵۰ هزار دینار فرستاد^{۱۱} و خواجه نظام‌الملک توسی برای هزینه‌ی آرامگاه ابوسعید ابوالخیر صد خروار غله و صد دینار نقد حواله کرد. ۱۲ برای ابوسعید ابوالخیر از سوی سلاطین چهارصد اسب با زین فرستاده شده بود.^{۱۳} حتی در تاریخ معاصر ایران نیز، مشایخ سلسله‌های صوفی، گاه از بسیاری هدایا و کمک‌های وایستگان دستگاہ سیاسی کشور زیانزد شده بودند.

۶ دریافت مقرری از حکومت‌ها

علاوه بر عطایا و بخشش‌های سران حکومتی که به هر حال همیشه و به‌ویژه، در ایام گسترش نفوذ اجتماعی مشایخ صوفیه تداوم داشته است، بسیاری از حکومت‌مداران برای مشایخ صوفیه در مؤسسات وابسته به آن‌ها مقرری نیز تعیین می‌کرده‌اند. از جمله موارد قابل توجه اقدامات خواجه رشیدالدین فضل‌الله، وزیر ایل‌خانان مغول نسبت به شیخ صفی‌الدین اردبیلی بزرگ مشایخ معاصر وی

است. ۱۲.

۷ موقوفات

درآمدهای ناشی از موقوفات نیز همیشه برای متصوفه مهم بوده است. اختصاص موقوفات جهت اداره‌ی خانقاه‌ها، برگزاری مجالس ویژه‌ی درویشان و صوفیان و سایر تدارکات لازم برای حیات آنان بوده است. اکثر حکومتیان و ثروتمندان با اختصاص ثروت‌هایی به‌عنوان درآمد دائمی مؤسسات صوفیان به این عمل اقدام می‌نموده‌اند. مثلاً خواجه رشیدالدین فضل‌الله جهت خانقاه‌های غازان تبریز و خراسان،^{۱۵} و بغداد و همدان،^{۱۶} موقوفات زیادی تعیین کرد. حتی امروزه نیز بسیاری از خانقاه‌های کشور از درآمدهای به‌دست آمده از موقوفات خود تغذیه می‌کنند. علاوه بر حکومت و دولتیان و اهل نفوذ، بسیاری از وقفیات توسط هواداران و یا سرسپردگان به فِرَق مختلف صوفی صورت گرفته است.

۸ دریافت ارزاق

از دیر باز ارسال ارزاق به خانقاه‌ها، مرسوم دربار سلاطینی و بزرگان کشوری بوده است. تأمین خوراک و مایحتاج سفره‌ی صوفیان، از آن‌جایی که خود اینان به‌ظاهر درصدد تهیه و تدارک آن نبودند، از جمله ابزاز لطف آنان به صوفیه محسوب می‌شد. نقل نمونه‌هایی در این خصوص جالب است: سلاطین هند، محصول املاک سند را به‌صورت بخشش برای شیخ شهاب‌الدین سهروردی فرستادند. ۱۷ و یا روغن و کشک پیچ‌هزار گوسفندی را که در خوزستان بوده‌اند، به همدان فرستاده می‌شد. و پشم آن‌ها نیز به شیراز ارسال می‌شد تا برای خانقاه همدان و مدرسه‌ی ارزسنجان و مدرسه و خانقاه سلطانیه زیلو بیافند.^{۱۸}

از این‌رو از دیر باز خانقاه‌ها و اماکن تجمع صوفیان به‌دلیل همین خصلت آن‌ها مرکز اطعام سایر فقرا و درماندگان و مسافران بوده است.

۹ تکدی

استمداد از دیگران، برای رفع گرسنگی و یا احتیاجات اولیه، علی‌رغم این‌که همیشه امری مبتذل و پست شمرده می‌شده است، بر اساس آموزه‌های صوفیه به‌عنوان وسیله‌ای جهت تحقیر نفس و فراموش کردن پایگاه و وضعیت گذشته‌ی فرد، پیوسته مورد تأکید برخی فِرَق صوفیه بوده است،^{۱۹} در واقع، گاه عضو متمول تازه‌وارد، به اجبار، اموال خود را بین سایر هم‌مسلمانان تقسیم می‌کرده و سپس خود به گدایی می‌پرداخته است. ۲۰ به‌قول یکی از مشایخ گدایی برای آن است که اعتبار و آبروی شخصی از میان برود و کسی به‌صورت هدیه و وام و کمک، چیزی به انسان ندهد.^{۲۱}

البته به‌تدریج علی‌رغم این باورداشت واضعان این رویه‌ها، گدایی به سنت تأمین برخی اقلام درخواستی صوفیان درآمد، به نحوی که لفظ درویش (صوفی) با لفظ گدا و فقیر یک‌سان انگاشته می‌شود. حتی نزد خود صوفیه نیز با نظم خاصی از راه گدایی احتیاجات سایر هم‌مسلمانان تأمین می‌شده است. ۲۲ به‌طوری‌که امروزه نیز درویشان نعمت‌اللہی، صفی‌علیشاهی و نعمت‌اللہی مونس علی‌شاهی و خاکساربه، پرسه‌زدن را سنت رسمی تلقی می‌کنند.

۱۰ درآمد از راه اشتغال

علی‌رغم گرایش شدید صوفیان به پرهیز از اشتغال به حرفه و کار و دوری از اشتغالات دنیوی و در تضاد پنداشتن آن با صوفی‌گری^{۲۳}، برخی از فِرَق صوفیه منعی در اشتغال به کار و کسب درآمد از این راه، که گاه آن‌را حلال‌ترین روزی و رزق تلقی می‌کردند، نمی‌دیدند. بنابراین گاه به القاب خاصی نزد مشایخ صوفیه بر می‌خوریم که در واقع شغل آنان بوده است، مانند حسین بن حلاج، ابوبکر نساج، بنان حمال، حمدون قصار، ابوبکر وزاق و غیره.^{۲۴} ابن بطوطه سیاح قرن هشتم هجری، گزارشی از کیفیت کار و درآمد حلقه‌های صوفی و جوانمردان ترکیه و اصفهان ارائه می‌کند.^{۲۵} حال برخی از فِرَق صوفی جهت احتراز از وابستگی به دستگاه حکومتی و یا شخصیت‌های ذی‌نفوذ مملکتی، خودبسنده‌ی اقتصادی را پیشه می‌کردند.

۱۱ درآمدهای موسمی

گاه برخی از مشایخ صوفیه طبق رسمی معروف، برخی از محصولات دست‌رنج



نشان مدیتاسیون با کاسه گدایی



**جمع کردن
آموزه‌های ضد دنیاگرایی و
توک مال و ثروت که
صوفیان
داعیه‌دار آن بودند
با ثروت‌های چشم‌گیری که گاه
در برخی خانقاه‌ها دیده می‌شد
دشوار می‌نمود.**



است. چرا که متولیان این سازمان از سوی شیخ خانقاه یا حلقه‌ی صوفیان منصوب و تحت نظری فعالیت می‌کرده است و گاه درآمدهای وسیع و گسترده‌ی یک خانقاه و یا شیخ چنان عظیم بوده که نیاز به یک ساماندهی همه‌جانبه و زیر نظر مستقیم شیخ را داشته است.

سخن آخر این که پرداخت‌های فوق، از جنبه‌های مختلفی درخور بررسی است. ظاهراً گستره‌ی فعالیت بسیاری از فِرَقِ صوفی در شهرهای ایران بوده است. هر چند گزارشاتی دال بر فعالیت خانقاه و اماکن صوفیه در برخی نواحی خارج از شهرها نیز داریم. ولی بررسی نوع، میزان و جنس پرداختی به صوفیان نشانگر آن است که این پرداخت‌ها جنسی و نقدی بوده است که احتمالاً ناشی از پرداخت آن، از سوی قشرهای مختلف شهری و روستایی بوده است. این نکته می‌تواند در گذاری که در سده‌ی اخیر در قشربندی جوامع متصوّفه صورت گرفته است و نیز حوزه‌ی نفوذ و فعالیت آنان که بیش‌تر بین اقشار متوسط به بالای جامعه بوده است، مورد مطالعه‌ی جدی قرار گیرد.

پی‌نوشت

۱. سوره‌ی بقره، آیات ۱۹۶، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۷۱، ۲۷۶ و سوره‌ی نساء، ۱۱۴، توبه، ۶۰-۱۰۳ و مجادله، ۱۲.
۲. ۱۱۱، رسول الله (ص) خیر المال المرء و ذخائر الصدقه، ر.ک: جامع احادیث الشیعه، ج ۸، ص ۳۵.
۳. محجة البیضاء، ج ۲، ص ۱۰۸.
۴. سوره‌ی بقره، آیه ۲۳ و ۱۷۷، حج، ۷۸، انبیاء، ۷۳.
۵. تاریخ آل جلایر، ص ۲۶۵.
۶. ر.ک: فردوس المرشدیه، صص ۲۹۸-۲۹۷ و ۵۰۵.
۷. دهخدا در ذیل نذر چنین تعبیری دارد ر.ک. لغت‌نامه، ذیل کله نذر.
۸. ر.ک: اسرار التوحید، ص ۱۶۶.
۹. ر.ک: حبیب السیر، ج ۲، ص ۲۷۶.
۱۰. ر.ک: فصلنامه صوفی، ش ۲۲.
۱۱. قندیه، ص ۹.
۱۲. اسرار التوحید، ص ۳۵۹.
۱۳. تذکره ریاض العارفین، ص ۴۸.
۱۴. ر.ک: مکاتبات رشیدی، صص ۲۳۴-۲۳۳ و ۱۸۳.
۱۵. ر.ک: تاریخ مبارک غازانی، ص ۲۰۷.
۱۶. ر.ک: حبیب السیر، ج ۳، صص ۱۸۹-۱۸۷.
۱۷. مکاتبات رشیدی، ص ۳۳.
۱۸. جهت دیدن نمونه‌های دیگری، ر.ک: نزهة القلوب، ص ۷، ۳۳. تاریخ مبارک غازانی، صص ۲۰۹-۲۱۵ صفحه الصفا، ص ۱۸۷.
۱۹. ر.ک: ۱۱۰، ص ۱۶۲.
۲۰. جهت نمونه‌هایی ر.ک: اوراد الاحیاء، ص ۸۵.
۲۱. ر.ک: اللمع، ص ۱۹۱.
۲۲. مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه، ص ۱۱۹.
۲۳. ر.ک: تلبیس ابلیس، ص ۲۸۱.
۲۴. ر.ک ارزش میراث صوفیه، ص ۶۶.
۲۵. رحله ابن بطوطه، ج اول، صص ۱۲۵، ۱۸۱.
۲۶. نایفه‌ی علم و عرفان، صص ۲۳۵-۲۳۴.
۲۷. جهت بحث تفصیلی‌تر، ر.ک: از کوی صوفیان تا حضور عارفان، مبحث عشریه. ◇

(زراعت یا صنعت) خود را برای مقامات ارسال می‌کرده‌اند و علاوه بر تداوم تماس و استمرار حمایت حاکمیت از مجامع صوفیه، در بازگشت و به‌عوض هدیه‌ی شیخ، غالباً هدیه‌ای گران‌بها و ارزشمند، برای وی ارسال می‌شده است. مثلاً ناصرالدین شاه قاجار برای صوفیان معاصرش در عوض تحفه‌های آن‌ها، هدایایی چون سکه‌ی نقره و طلا و پارچه می‌فرستاده است. از جمله حاج میرزا محمدعلی پیرزاده هر ساله ۱۱۰ عدد خیار از محصولات خود را برای ناصرالدین شاه می‌فرستاد، در مقابل، شاه نیز هدایای گران‌بهای برای وی ارسال می‌داشته است. حاج شیخ محمدحسن صالح علیشاه گنابادی برای رضاشاه قالیچه‌ای داده بود و شاه در عوض ۳۰۰ تومان برای او فرستاد. ۲۶

۱۲. عشریه

تمایلاتی که گاه نزد فِرَقِ صوفیه دیده می‌شود تا نوعی نظم در پرداخت‌های صوفیان به مشایخ خود را برقرار کنند، منجر به ظهور پرداخت عشریه شده است.

حاج میرزا زین‌العابدین رحمت علیشاه شیرازی، مبدع نوعی رسم پرداخت عشریه شد که ده یک درآمد ماهانه یا روزانه‌ی فرد که مکفی از خمس است به مشایخ صوفیه پرداخت شود. این پرداخت دائمی و منظم البته متمرکز درآمدی درخور توجه محسوب شد. ۲۷

حال، گذشته از گرایش برخی از فِرَقِ صوفیه نسبت به بی‌اعتنایی به زخارف و مادیات دنیوی که منجر به اتخاذ رویه‌های انزواجویانه و طرد جامعه و یا پس‌زدن هرگونه کمک از سوی مردم می‌شد، اغلب فِرَقِ صوفیه نسبت به دریافت و مصرف کمک‌هایی از مردم خوش‌بین و راغب بوده‌اند.

باورداشت‌ها و اعتقادات جامعه در خصوص اقران و کمک‌رسانی به افرادی که به‌ظاهر محتاج کمک دیگران‌اند و یا سنت‌ها و عادات مردمی که احترام و بزرگداشت اهل عبادت و تزکیه را لازم می‌شمردند، از یک‌سو، و ارادت قلبی و البته ارادت مصلحتی و از سر دوزاندیشی برخی سیاست‌مداران جامعه همگی سبب تنوع و تعدد پرداخت‌های اجتماعی و مالی به جامعه‌ی صوفی می‌گردید. از آن‌جایی که صوفیه تمایلی به نظام‌بخشی و استمراریابی درآمدهای موصوف داشت، تلاش‌هایی را در راستای مشروع جلوه دادن پرداخت‌هایی که به صوفیان می‌شد، صورت می‌گرفت. از دیگر سو، آنان هم‌چنین، ابداع درآمدهای جدید بر اساس اخلاقیات و عرفیات جامعه را نیز، پی می‌گرفتند.

گذشته از موارد بالا، سازمان مالی که مسئول اخذ و نگه‌داری و تخصیص درآمدهای ذکر شده بود، نیز درخور مطالعه‌ی جداگانه

کیوان قزوینی و نوگرایی صوفیانه‌ی وی

کاوه بیات

از نقطه‌نظر تغییر و دگرگونی، دوران پادشاهی رضاشاه، یکی از مهم‌ترین ادوار تاریخ معاصر ایران است؛ دوره‌ای است که در خلال آن بسیاری از مناسبات سنتی پیشین، به‌ویژه در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی دچار تغییرات و دگرگونی‌های بنیادی شد. ولی نکته‌ی مهم و تعیین‌کننده‌ای را که در مورد این دوره‌ی تغییر و خصوصیاتش باید در نظر داشت آن است که دوره‌ی حاکمیت پهلوی اول، بیش از آن‌که عرصه‌ی شکوفایی و بنیان‌اندیشه‌ی تغییر باشد، دوره‌ای بود که در طول آن بسیاری از آراء و اندیشه‌های اصلاح‌طلبانه‌ی پیشین امکان تحقق یافت. فضای سیاسی وقت، اصولاً پذیرای شکوفایی فکر و اندیشه نبود، زیرا در